

تحلیل راهکارهای مشترک نفوذ جریان‌های انحرافی معاصر در بستر آموزه‌های مهدویت

جواد اسحاقیان درچه^۱

حجت حیدری چراتی^۲

چکیده

ظرفیت‌های موجود در آموزه‌های مهدویت، به منظور ایجاد تمدن اسلامی می‌تواند کارآمد و موثر باشد. جریان‌های انحرافی با ترفندهای مختلف، درصدد تغییر تدریجی و تحریف آموزه‌های آن، در نفوذ از بستر خود آموزه‌های مهدویت هستند؛ گاهی از طریق علمی- فرهنگی، مانند جعل و ایجاد انحراف در آموزه‌های ولایی و گاهی از طریق اجتماعی، مانند ایجاد اغتشاش و درگیری به نام تشیع و مهدویت. در این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی در موضوع فرقه‌های انحرافی؛ برخی از راهکارهای مشترک و موثر نفوذ به صورت نموداری بررسی شده‌اند. برخی از نتایج تحقیق در مورد عواقب راهکارهای نفوذ جریان‌های انحرافی عبارتند از: نفوذ با ابزار گوناگون روانشناسانه و جامعه‌شناسانه و ایجاد تحولات شخصیتی در آنان و استخدام افراد با ماموریت‌های به‌ظاهر مهدوی، به‌منظور تحقق اهداف کلان انحرافی، ایجاد ناامیدی و شکاف‌های اجتماعی، تبدیل عدالت‌طلبی به ظلم و خشونت و انحصار طلبی و نفی مولفه‌های وحدت بخش نیابت و ولایت برای رسیدن به اهداف فرقه‌ای.

واژگان کلیدی: آموزه‌های مهدویت، راهکارهای نفوذ، جریان‌های انحرافی، تهدید، مکانیزم.

۱. استادیار گروه اخلاق و متون اسلامی دانشگاه تهران و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت saamerra@yahoo.com

۲. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا hojatheidari@gmail.com

مقدمه

بُعد مهمی از آموزه‌های مهدویت، «حرکت تمدنی» است. در این میان، زمینه سازی برای تمدن مهدوی (در برابر ایده‌ها و جریان لیبرالیسم غربی)، از مهم‌ترین اهداف متعالی در جامعه و نظام اسلامی است. برای تامین بسترهای رشد مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های مختلفی وجود دارند. در مقابل، فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی در به چالش کشاندن این فرهنگ، روش‌ها و ترفندهای خاص خود را اجرا می‌کنند. از آن جا که این فعالیت‌ها به تدریج روند ضد فرهنگی پیدا می‌کنند؛ لازم است چالش‌ها و موارد متعدد راهکارهای این جریان‌ها در برابر آموزه‌های مهدوی مرتبط نظام اسلامی مورد بررسی قرار گیرند تا در برابر تحریف تدریجی مصونیت سازی شوند. از سوی دیگر، ایجاد مصونیت، زمانی صورت می‌پذیرد که راهکارهای مختلف نفوذ و مراحل آن مشخص شوند. در مقابل، برای ایجاد سیر تعالی مطمئن در بستر فرهنگ و سیاست متعالی مهدوی، باید این جریان‌ها و راهکارهای نفوذ آن‌ها شناخته شوند تا متناسب با آن‌ها به مقابله علمی- فرهنگی بپردازیم. فرقه‌ها در قالب کلی نفوذ فرهنگی اجتماعی، با تحریف عقاید مهدویت و ایجاد نسخه بدل در برابر مهدویت حقیقی، این موضوع را به تحریف کشانده و ظرفیت‌های مثبت فرهنگی را به ضد خود (یعنی ضد فرهنگی) تبدیل می‌کنند.

بر اساس مطلب مذکور و این که مهدویت دارای آموزه‌های مختلفی است؛ برخی از آموزه‌هایی را مطرح می‌کنیم که از بستر آن‌ها، جریان‌های باطل در جهت تغییر اقدام کرده‌اند. پس از آن، محققان می‌توانند در مورد آموزه‌های دیگر، این اقدامات را دنبال کنند.

در مورد پیشینه کار، قابل ذکر است که آثار متعددی در مورد فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی نگاشته شده‌اند؛ اما راهکارهای نفوذ کم‌تر تحلیل شده‌اند. این تحقیق به دنبال بررسی راهکارهای نفوذ و انحرافات و چالش‌های مختلف ایجاد شده توسط جریان‌های معاصر و نیز بررسی انحرافات بالقوه‌ای است که از فرقه‌ها انتظار می‌رود. همچنین محدوده فرقه‌ها و جریاناتی که در این تحقیق مورد نظر بوده‌اند، نوشته‌ها و تحقیق‌های موجود به آن‌ها پرداخته‌اند.

مفهوم شناسی

فرقه: «فرقه» در نگاه اسلامی و شیعی می‌تواند بر همان مبنای مخالفت با قرائت رسمی دین



شناخته شود. به عبارت دیگر، ایجاد تغییر عمده و سازمان دهی شده در اصول و مبانی اعتقادی و یا آیین رسمی عبادی دین و مذهب، نشانه انحرافی بودن آن باشد (آغاز پیدایش عقاید فرقه‌ای، ممکن است ایجاد بدعت باشد) (سبحانی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۹).

«فرقه»، تجمع خاص اشخاصی است، با گرایش به آیینی که توسط همگان به رسمیت شناخته نشده است و این آیین در برابر نهادهای اساسی جامعه قرار دارد (بیرو، ۱۳۸۰: ص ۳۲۳). در تحقیق حاضر، منظور ما از فرقه، تمام جریان‌های انحرافی و تشکل‌های سازمان یافته‌ای هستند که با سازماندهی نیروها و آموزش و تبیین تفکرات (خصوصاً در عرصه امامت و مهدویت)، به پیشبرد اهداف فکری و سیاسی اجتماعی خود اقدام می‌کنند.

نفوذ سازمانی در فرقه‌ها

ساختار و عملکرد فرقه‌ها به گونه‌ای است که جذب و سازماندهی افراد بر اساس چارچوب و برنامه‌ریزی خاص است. برخی از محققان و نیز جامعه‌شناسان فرقه‌گرایی، مانند ماکس وبر و ارنست ترولتس به این موضوع پرداخته‌اند. ماکس وبر «سازمان دینی» را نهادی می‌پندارد که اجتماعات دینی - مذهبی را اداره و برای ایجاد نظم بین این نوع اجتماعات خط مشی مناسبی ارائه می‌کند و قدرت خود را که برگرفته از تعالیم مسیح است؛ بر این نوع اجتماعات و انجمن‌ها اعمال می‌کند. به عقیده وبر، سازمان دینی نوعی انجمن سیاسی است که او به عضویت درآمدن افراد را در این انجمن اجباری می‌داند. در سازمان دینی، انجام دادن عملی خاص یا دارا بودن شرایطی ویژه برای پیوستن به آن ضرورت ندارد و شخص از بدو تولد عضو این سازمان خواهد بود (همیلتون، ۱۳۷۷: ص ۳۳۹)؛ اما «فرقه» انجمنی داوطلبانه است. سعی بنیادین رهبری فرقه - که به تعبیر وبر «فرّه» یا «کاریزما» خوانده می‌شود - شست‌وشوی مغزها از عقاید سنتی سازمان دینی است، منتها فرقه مدعی آن است که خود را بر اعضای تحت الحمایه خود متوقف دانسته، عضوهای مشروط خود را متوجه تسهیلات مادی و معنوی می‌داند. ارنست ترولتس، موارد کلی نظریه وبر را می‌پذیرد و در مورد ارتباط بین سازمان دینی و فرقه، دو گرایش نظری مطرح می‌کند:

۱. گرایش ریشه‌ای: گرایش است با رویکرد تأکید بر اجتماع آزادانه مؤمنانی که به گونه‌ای



آرامانی می‌کوشند ارزش‌های اخلاقی دینی همچون عشق برادرانه را در مورد اعضای جامعه محقق سازند؛

۲. گرایش محافظه کارانه: گرایشی است که بر اجتماع سازمان یافته و مستقلاً تأکید می‌کند که اعضایش می‌کوشند از نهادهای موجود برای تحقق هدف‌هایشان استفاده کنند (همان، ص ۳۴۰).

براساس این تحقیق، ملاحظه می‌شود ایجاد تغییرات و نفوذ تدریجی در سازمان‌ها و نهادهای دینی، بر اساس نوع محافظه کارانه دنبال می‌شود و با ورود تعصب فرقه‌ای مخاطرات و چالش‌های فراوانی برای جامعه اسلامی ایجاد می‌گردد. این فرقه‌ها ظرفیت‌ها و ابزار مهدوی را برای بهره برداری از ظرفیت‌های جمعیت ساز و ایجاد انگیزه‌های مولد به کار می‌گیرند و این ظرفیت‌ها و ابزارها را در جهت اهداف خود به انحراف می‌کشاند؛ مانند ویروسی که با به‌کارگیری امکانات هسته، سلول به تخریب آن می‌پردازد.^۱

بررسی سیر رشد فرقه‌ها

وضعیت رشد فرقه‌ها به گونه‌ای است که برخی دوران آینده را عصر «انفجار فرقه‌ها» نامیده‌اند (جوهری، ۱۳۹۳: ص ن). در کشورهای اروپایی و آمریکایی، گونه‌های مختلف فرقه‌های معنویت‌گرا با اعتقادات و رفتارهای مختلف وجود داشته و با آن که در چند دهه قبل، فقط ۳۰۰ فرقه وجود داشته است؛ اکنون بیش از ۷ هزار فرقه در این مناطق شناسایی شده که با جدیت به دنبال اهداف خود هستند (سینگر، ۱۳۸۸: ص ۱-۳).

در این جستار، بر اساس بستریایی که در آموزه مهدویت وجود دارند، راهکارهای نفوذ جریان‌های انحرافی را تحلیل و سه نمونه از آموزه‌های مهم را بررسی می‌کنیم:

۱. انتظار و زمینه سازی ظهور؛

۲. حکومت واحد جهانی؛

1. Leppard, Keith; Nigel Dimmock; Easton, Andrew (2007). Introduction to Modern Virology Blackwell Publishing Limited. p. 4. ISBN 978-1-4051-3645-7.

۳. تجدید سنت پیامبر در سنت مهدوی (در مناسک و عبادات و عرفان).

بسترهای موجود در این آموزه‌ها عبارتند از:

۱. ایجاد روحیه امید و مثبت اندیشی و حرکت در سمت و سوی تحولات مثبت، بر

اساس آموزه انتظار؛

۲. ایجاد فرهنگ واحد جهانی، همگرایی، اتحاد در اقوام و ملل مختلف، امت واحد و

نفی گروه گرایی؛

۳. ایجاد روحیه قدسی - معنوی؛ تمسک و التزام به عبادات که در سبک زندگی مهدوی

همان تجدید سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محسوب می‌شود.

بر اساس این بسترها، راهکارهایی که فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی برای نفوذ در پیش

گرفته‌اند، عبارتند از:

۱. ایجاد تحول و انحراف در بستر امید و مثبت اندیشی، با تطبیق و تعجیل و در نتیجه

احساس کذب در اصل وعده‌های انتظار؛

۲. ایجاد تغییر و تحریف در مفاهیم جهانی اسلام و امت واحد و ایجاد انحراف و تغییر در

رفتارهای مربوط به این آموزه؛

۳. ایجاد تحول و انحراف در بستر مناسک با نسخ و تغییر تدریجی و استحاله مناسک و

ایجاد مناسک انحرافی.

۱. مکانیزم نفوذ در بحث علائم الظهور (با تطبیق و تعجیل)

۱-۱. ایجاد ناامیدی از طریق تطبیق علائم

اصل ظهور حضرت مهدی قطعیت دارد؛ به گونه‌ای که عالمان شیعه و سنی، منکر ظهور

حضرت مهدی را کافر دانسته و امر ظهور را «متواتر» دانسته‌اند (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶: ص ۱۵۷

و حرعاملی، ۱۳۶۲: ص ۱۷۰) و نیز روایات متعددی در مورد قطعی بودن ظهور امام

مهدی عَلَيْهِ السَّلَام؛ ولو در آخرین روز از عمر دنیا حکایت دارد؛ از جمله پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند:

اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از

فرزندان مرا مبعوث کند که اسم او مانند اسم من است و زمین را پر از عدل و قسط



می‌کند؛ همان‌گونه که پر از ظلم شده بود (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۲۶۱ و مفید، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۳۴۰).

با توجه به قطعیت ظهور (براساس روایات مذکور)، علائمی برای این حادثه مهم وجود دارند. مدعیان در طول تاریخ ادعا می‌کنند که رفتار و فعالیتشان با این علائم منطبق است. به عبارت دیگر، مدعیان مهدویت، فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را همان وعده الهی دوران ظهور معرفی می‌کنند که در صورت نپیوستن به آن، عذاب الهی در انتظار مردم خواهد بود. در این صورت، برخی از مردمان آن دوره، به دلیل ترس، جذب آن‌ها می‌شوند و این ترس از عذاب، به دلیل احساسی کردن فضا، فرصت دقت و تامل در ادله مدعیان را از عموم می‌گیرد. نقش و تاثیر این ترس ظاهراً معنوی بر تحولات رفتاری افراد مهم است. یکی از مهم‌ترین ترفندهای روان‌شناختی فرقه‌ها «مغزشویی» یا «بازسازی» فکری است. شست و شوی مغزی کوششی است نظام‌مند برای تغییر دادن اندیشه‌ها و باورهای فرد (آرتور اس، ۱۳۹۰: ص ۱۷۸). این تکنیک، در ابتدا به وسیله کمونیست‌های چین و شوروی سابق در مورد زندانیان به کار گرفته شد و بعدها به جاهای دیگر گسترش یافت (مان، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۵۳۲). یکی از کاربردهای این ترفند، مسائل فرقه‌ای است که مدعیان با شیوه‌های مختلف بر روی مرتبطان خود انجام داده و آن‌ها را پس از جذب، تغییر هویت داده‌اند. بازسازی فکری می‌تواند از طریق مکانیزم‌های روانی خاصی صورت گیرد که دارای مدل‌های متفاوتی است. به عنوان نمونه، به چند مکانیزم در این زمینه اشاره می‌گردد:

۱. فرد برای این‌که بتواند در مخاطب تغییرات ایجاد کند، او را در ناآگاهی کامل نگه می‌دارد؛
۲. محیط زمانی و فیزیکی را کنترل می‌کند (ارتباطات و اطلاعات)؛
۳. حس ناتوانی، ترس و وابستگی در مخاطب به وجود می‌آورد؛
۴. رفتارها و برخوردهای سابق را سرکوب و رفتارها و برخوردهای جدید ایجاد می‌کند؛
۵. سیستم منطقی بسته را به وجود می‌آورد (سینگر، ۱۳۸۸: ص ۵۱).

بر این اساس، ترس ایجاد شده دارای قدرت محرکه فراوانی است؛ خصوصاً که این ترس، رنگ شبه معنوی و عرفان نمایانه به خود گرفته است و می‌تواند اشخاص را به اطاعت محض و مداوم ترغیب کند.

برای تبیین مسئله مذکور، در موضوع حاضر به یک نمونه، یا مدعی جدید (احمد اسماعیل



بصری) اشاره می‌شود که فعالیت‌های به‌روز دارد و در حال ایجاد انحراف و آسیب در بین معتقدان مهدویت است. ترفند تطبیق در گفتار وی را می‌توان در قالب چند مرحله تبیین کرد:

اول: بر اساس آیات قرآن: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»؛ نزول عذاب الاهی اتفاق نمی‌افتد تا زمانی که از جانب خداوند فرستاده‌ای بیاید (اسراء: ۱۵)؛

دوم: بر اساس شواهد ادعایی، نزول این عذاب در زمان حاضر حتمی است؛

سوم: نشانه‌های این عذاب در حال تحقق است که در قالب نشانه‌های ظهور اتفاق می‌افتد (مانند زلزله‌ها و آتشفشان‌ها و سیل‌ها و طوفان). به طور خاص، برای تطبیق نشانه‌های ظهور و حوادث طبیعی می‌توان به آتشفشان سال ۲۰۱۰ ایسلند اشاره کرد که دود فراوانی به پا کرد و این دود یکی از نشانه‌های مهم ظهور است که در قرآن با عنوان «فار التنور» (هود: ۴۰) ذکر شده است و این‌گونه مصادره با مطلوب نتیجه گرفته‌اند که اگر به مدعی یمانی نپیوندد، نشانه‌های عذاب الاهی ظاهر می‌شود و همگی دچار عذاب می‌شوید (بصری الف، بی تا: ج ۱، ص ۱۵). پس اکنون همان آخرالزمان موعود و زمان آمدن فرستاده الاهی است.

چهارم: بر این اساس ضرورت دارد که رسول الاهی یا حجت او ظهور کند و اکنون زمان فرستادن امام یا پیامبر نیست، بلکه باید نماینده‌ای از جانب ایشان (یمانی) حاضر شود. از سوی دیگر، مبتنی بر روایات معتبر، پرچم و مکتب هدایت یافته، همان یمانی است و یمانی هم جز بر احمد اسماعیل بصری منطبق نیست. برای اثبات انطباق خود با یمانی به روایتی استناد می‌کند که شناخت حجت الاهی با داشتن پرچم، سلاح و وصیت، محقق می‌شود. از عبد الاعلی چنین آمده است:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حجت ما در مدعیان دروغین برای صاحب این امر چیست؟ فرمود: سه نشانه است که در هیچ مردی جز او جمع نمی‌شود: این که او نزدیک‌ترین مردم به کسی [=امامی] می‌باشد که قبل از اوست؛ نزد او سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و صاحب وصیتی است که [در کتاب‌ها] آشکار است (شیخ صدوق، ۳۶۲: ج ۱، ص ۱۴۴، ح ۹۹). همچنین امام باقر علیه السلام فرمود: «هر چیزی برای شما ایجاد اشکال یا شبهه کند، وصیت و پرچم و سلاح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم جای هیچ‌گونه شبهه و اشکال برایتان باقی نمی‌گذارد... بر حذر باشید از کسانی که خود را به دروغ به آل محمد نسبت می‌دهند؛ که همانا برای آل محمد علیهم السلام پرچمی [=یک پرچم] است و برای



دیگران پرچم‌ها. پس در جای خودت ثابت باش و از هیچ کس ابداً تبعیت نکن تا مردی را از فرزندان حسین علیه السلام ببینید که همراه او وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله، پرچم و سلاح اوست (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۲۲۲).

بنابراین، روایت مذکور بر احمد الحسن منطبق است، او عامل نجات مردم از عذاب می‌باشد (همان، ص ۴۹).

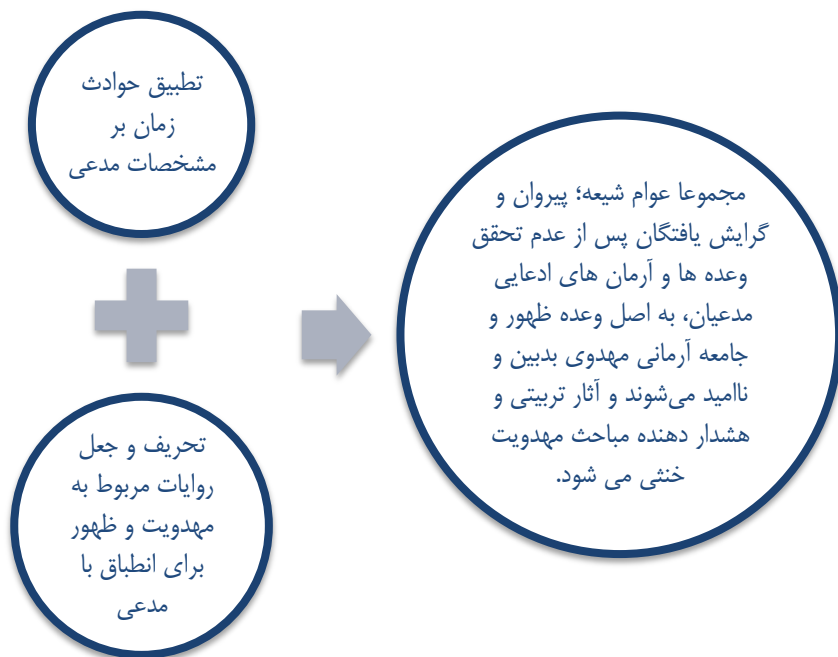
در نقد ادعای این مدعی می‌توان گفت که اولاً، با آمدن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جریان خاتمیت، ارسال پیامبر جدید و نیز وقوع عذاب‌های خاص دنیوی که در زمان انبیای قبلی بود، منتفی است (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۴، ص ۳۲۷)؛ ثانیاً آیات و مباحث مطرح شده در مورد عذاب مربوط به قیامت است و به ظهور و یمانی ربطی ندارد؛ ثالثاً بر فرض ارتباط با ظهور، نشانه‌هایی مانند دود، بدون دلیل بر یمانی و اشخاص مدعی تطبیق شده است؛

رابعاً: جریان خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه و یک روز صورت می‌گیرد^۱ (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴۶). پس نمی‌تواند بر احمد اسماعیل منطبق شود که این شرایط در زمان وی محقق نشده است.

خامساً: این نشانه‌ها که در روایت موجودند، برای امام مطرح شده‌اند؛ نه بر یمانی که وی مدعی یمانی بودن است و متحد بودن یمانی و امام هم عقلاً و شرعاً مردود است. بر اساس نقدهای مذکور، ادعا و خوف ایجاد شده در پیروان مدعی یمانی، هیچ وجه عقلی، علمی و مستند دینی ندارد؛ اما عدم شناخت کافی از این مسئله و ترفندهای فرقه‌ای که ذکر شد، باعث می‌شود حتی برخی از دانش پژوهان علوم دینی گرفتار این ترس موهوم شوند و در برابر استدلال و مناظره‌های مشخص مقاومت کنند و از راه باطل برنگردند. در یک دهه اخیر، موارد متعددی از این مسئله در تحقیقات نقد فرقه‌ها به صورت میدانی، در مرکز تخصصی مهدویت قم مورد مطالعه قرار گرفته است (ر.ک: آرشیو گروه فرقه‌های انحرافی).



۱. «خروج الثلاثة الخراسانی والسفیانی والیمانئ فی سنة واحدة فی شهر واحد فی یوم واحد».



۲-۱. ایجاد ناامیدی از طریق جعل و تحریف

مدعیان در اثبات ادعاهای خود، روش مشترکی به نام جعل، تقطیع و تحریف دارند و علاوه بر آن، به منابع غیر معتبر استناد می کنند.

به عنوان نمونه در استناد به احادیث و منابع ضعیف، به موضوعی اشاره می کنیم که در بین مردم، به عنوان حدیث مشهور است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف «دین جدید»ی می آورد. علی محمد باب که مدعی مهدویت و سپس نبوت بود، با استناد به این روایت، آموزه ها و عقاید ناصحیح خود را به عنوان «دین جدید» مطرح کرد؛ مبنی بر این که چون وی دارای امامت و نبوت است، دین جدیدش هم نسخ کننده اسلام است (سهراب، بی تا: ص ۳۲۹-۳۴۰).

بر این اساس، ادعاهای مربوط به دین جدید هم مردود است؛ زیرا اولاً، در هیچ منبع حدیثی، چنین لفظی (دین جدید) نیامده است (لطفی، ۱۳۹۱: فصل سوم)؛



ثانیاً، اگر چه عباراتی مانند «امر جدید» (همان، فصل چهارم)، «سنة جدیده»، «قضای جدید» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲: ص ۲۳۵) وجود داشته باشد؛ باید توجه داشت که تعبیر روایات معنای خاص خود را دارد؛ مثلاً تعبیر «قضای جدید» به معنای آن است که امام زمان نوعی خاص از احکام قضایی را اجرا می کند که به همان دین اسلام مربوط است؛ ولی قبلاً زمینه اجرا نداشته است.

ثالثاً، مدعیانی مانند علی محمد باب و حسینعلی نوری، بر پایه منابع اسلامی و بالخصوص شیعی، استدلال می کنند؛ اما پیامبر اسلام ﷺ و هیچ امامی نفرموده اند که بعداً دین جدید می آید، بلکه به آمدن موعود و عمل امام دوازدهم بر اساس دین اسلام و سنت پیامبر ﷺ خبر داده اند؛ چنان که رسول خدا ﷺ فرمودند:

قائم [=امام زمان] از اولاد من است؛ اسمش اسم من و کنیه اش کنیه من و شکل و شمایلش شکل و شمایل من و روشش روش من است. او مردم را بر ملت و شریعت من نگه می دارد و آن ها را به سوی کتاب خداوند عزوجل دعوت می کند^۱ (همان، ج ۵۱، ص ۷۳).

چهارم: ادعای دین جدید با نص آیه خاتمیت (احزاب: ۴۰) در تضاد است.

پنجم: ادعاها و آموزه های امثال بابیت و بهائیت با تعریف و شاخصه های دین سازگار نیست؛ زیرا با تناقضات آشکار، مطالب خلاف عقل و خرافات توأم است (افندی، بی تا: ج ۲، ص ۲۶۶؛ اشراق خاوری، ۱۳۴ بدیع: ص ۴۴۹-۴۵۰)؛ به عنوان مثال جریان یمانی به متنی استناد می کند که چنین است: پیامبر ﷺ فرمود: «پادشاهی در عربستان می آید که نامش اسم حیوانی است؛ مانند ملک فهد... از دور که نگاهش کنیم، در چشمش لوچی می بینی.» بنابراین، پیامبر ﷺ به ملک فهد اشاره می کند و بعد می گوید: «این ملک فهد برادری دارد به نام عبدالله و وای بر شیعیان ما از دست ملک عبدالله. هر کس مرگ عبدالله را به من بشارت دهد، من هم بشارت ظهور را به او می دهم.» این تصور و پیشگویی، نزد عوام شیعه هم امری مشهور و مقبول تلقی



۱. «الْقَائِمُ مِنْ وَٰلِدِي، اِسْمُهُ اِسْمِي، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ سَمَائِلُهُ سَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي. يُقِيمُ النَّاسَ عَلٰى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ اِلَى كِتَابِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ.»

شده است؛ اما این حدیث جعلی است و مستندات جریان یمانی این موارد را از کتاب «مئتان و خمسون علامه» (از محمدعلی طباطبایی حسنی) اخذ کرده‌اند که ضعیف و دست‌چندم است و در چنین موضوعی نمی‌توان به این متن استناد کرد و حدیث ملک عبدالله در هیچ منبع شیعی یا سنی دیگری وجود ندارد (شهبازیان، ۱۳۹۳: ص ۳۵ و ۳۹).

بر این اساس، حاصل جعل و تحریف در روایات، این خواهد بود که برخی از معتقدان به مهدویت که در دام این تطبیقات گرفتار شده‌اند، به تدریج با ضعف و جعل این موضوعات آشنا می‌شوند و به اصل موضوع مهدویت بدبین شده تصور می‌کنند تمام متون و ادله مهدی این گونه مخدوش و ضعیف هستند و از این رو دچار یاس و ناامیدی خواهند شد.

۳-۱. ایجاد تحریف و ناامیدی در بستر فرهنگ انتظار

جریان‌های مختلف با تحریف و تغییر در مفهوم و آموزه انتظار، این آسیب را ایجاد می‌کنند و بستری که آموزه انتظار را در دوره غیبت کبرا ایجاد می‌کند، حکومت اسلامی بر اساس نظریه «ولایت فقیه» است؛ اما برخی از گروه‌ها با تحریف و ایجاد انحراف در این مسئله، باعث یاس می‌شوند. مثلاً انجمن حجّتیّه در ابتدا به نام مبارزه با بهائیت به بهره‌برداری از برخی روایات و متون مهدوی پرداخت (که آن روایات تحلیل نشده و تا حدی ضعیف هستند) و بر این اساس، ساختار نفوذ خود را پی‌ریزی کرد و در نگاه به جایگاه فلسفه و تحلیل عقلانی دین، روش خاص خود را پیش برد و روایات مهدوی را با گرایش جریانی خود تحلیل کرد (ارشادی نیا، ۱۳۷۶). سپس با همین نگاه، انتظار را شکل داد و امروز می‌توان به راحتی چشم‌انداز آینده این جریان را بیان کرد که برای تقویت جایگاه خود در بین قشرهای مختلف و مقدس‌نماها و با توجه به فضای عمومی جامعه و مشکلات موجود، چگونه جای پا محکم کرده و توانسته است دیدگاه‌ها و نظریاتی ارائه کند که اساس نظام ولایت فقیه را با سوال مواجه و نوع دیگری از انتظار و ولایت مداری مهدوی را به متون دینی منتسب کند و این مسئله خود، بروز انحرافات و تشدید تنش‌ها و مخاطرات حاصل از نفوذ را موجب می‌شود (علیانسب، ۱۳۹۰: ص ۸۷). نمونه دیگر و مهم این تحریفات، آن است که در تفکرات آن‌ها، جهاد در دوران غیبت جایی ندارد (تبریزی، ۱۳۸۷: ص ۱۳۴). مسلماً نشر چنین تفکراتی که با روحیه عافیت‌طلبی و سازشکاری بیش‌تر تناسب دارد؛



می‌تواند برخی از قشرهای دیگر را تحت تاثیر قرار دهد و به تدریج به نوعی جریان اجتماعی و تفکرات سازمان یافته اجتماعی تبدیل شود. موارد دیگر از این آسیب‌ها وجود دارند که محققان می‌توانند آن را پیگیری و تجزیه و تحلیل کنند (زینو، بی‌تا: ص ۴۰-۴۳).

برخی جریان‌ها نیز در برابر اندیشه انتظار، آموزه‌هایی مانند «تحسس» یا «حس کردن» خود امام زمان (یعقوبی، بی‌تا: به سوی ظهور، جلسه ۵، ص ۱۸)؛ یا تمسک به اقطاب صوفی یا اتصال به انرژی کیهانی و انسان محوری بیان شده است (طاهری، ۱۳۸۶: ص ۹۴).

۲. ایجاد شکاف‌های اجتماعی و مذهبی با نفوذ در مراجع، منابع و مفاهیم دینی

شکاف‌های اجتماعی و مذهبی توسط فرقه‌ها از مسیرهای مختلف نفوذ انجام می‌شود که دو مسیر اصلی آن را بررسی می‌کنیم:

۲-۱. نفوذ در مراجع دینی

«نفوذ در محتوا و جایگاه مراجع مکتوب و غیر مکتوب»، یکی از مهم‌ترین و موثرترین روش‌های نفوذ فرقه‌ها است؛ زیرا ماهیت اصلی فعالیت فرقه‌ها، فرهنگی و اجتماعی است. با توجه به شاکله آموزه‌های مهدویت، این روش برای جریان‌های انحرافی کارآمدتر محسوب می‌شود. مدعیان در این نوع نفوذ، قصد دارند با پوشش مسائل مذهبی و اعتقادی؛ از جمله مهدویت، پایگاه اجتماعی را از الگوهای رسمی و معتبر دینی بگیرند و از آن خود کنند.

در این نوع نفوذ، اعمال قدرت اجتماعی، توسط اشخاص یا گروه‌ها برای تغییر دادن نگرش‌ها و رفتار دیگران صورت می‌گیرد (فرانزوی، ۱۳۸۵: ص ۱۷۷). نکته دیگر، تغییر شخصیت افراد پس از ورود به فرقه است. توضیح این که افراد پس از ورود به فرقه مورد نظر به طور محسوس و غلو شده‌ای به تغییرات رفتاری، روانی و شخصیتی دچار می‌شوند؛ به طوری که کسی که شخص جذب شده را از قبل می‌شناخته است، به راحتی این تغییر ناگهانی، عمیق و پرقدرت را متوجه می‌شود. این تحولات شخصیتی، تقریباً تمام وجوه زندگی افراد جذب شده را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و گستره این تغییرات، از نوع پوشش، نحوه غذا خوردن تا تغییر در نوع ارتباطات و پیوندها را شامل می‌شود. اولین و اصلی‌ترین کاری که هر فرقه انجام می‌دهد، دست و پا کردن



نوعی «تشخص فرقه‌ای» برای خود است تا از این روش به هویت مستقلی برسد (سینگر، ۱۳۸۸: ص ۱۱۰). این تغییرات زمینه‌ساز «نفوذ اجتماعی» است.

«نفوذ اجتماعی»، مستلزم آن است که شخص یا گروه برای تغییر دادن نگرش‌ها یا رفتار دیگران، قدرت اجتماعی خود را اعمال کند. منظور از قدرت اجتماعی، نیرویی است که شخص نفوذ کننده برای ایجاد تغییر مورد نظر در اختیار دارد. این قدرت محصول دسترسی به برخی منابع و امکانات است؛ مثل علوم و اطلاعات. این منابع و امکانات نیز محصول جایگاه اجتماعی افراد در جامعه یا محصول علاقه و تحسین دیگران می‌باشند (کریمی، ۱۳۸۱: ص ۸۵). به عنوان مثال، در سال ۱۹۲۴ در مطالعه‌ای نظام‌مند، نتیجه گرفته شد که نفوذ دیگران در عقاید و افکار و سبک زندگی افراد، می‌تواند موجب برانگیختگی، یا کاهش عملکرد شود (فرگاس، ۱۳۷۳: ص ۳۱۴).

به طور کلی نفوذ اجتماعی سه پیامد رفتاری دارد که عبارتند از: «پذیرش»، «اطاعت» و «هم‌رنگی». زمانی که نفوذ از دریچه علوم، منابع و اطلاعات مهدوی انجام می‌شود، این آثار و توابع غلظت بیش‌تری دارند؛ زیرا نوعی سرسپردگی و اطاعت انحرافی محض را به نام «ولایت و ارتباط با موعود و ولی کامل» دنبال می‌کند که به نام ولایت و به کام سران فرقه و جریان انحرافی است تا از این راه متون مرجع و نیز رهبران و مراجع انسانی به تدریج و به صورت نامحسوس، دچار جابه‌جایی و تغییر شوند.

جریان‌های انحرافی برای نفوذ در نهاد و سازمان دینی، از همه ظرفیت‌ها و توان خود بهره می‌برند. مؤلفه‌هایضعفی که فرقه‌ها از آن‌ها بهره برداری می‌کنند؛ مانند منابع علمی، احساسات قومیتی قوی در مقابل ایمان دینی، هواهای نفسانی و انحرافات اخلاقی در بین مومنان و جامعه اسلامی و ترویج لا ابالی‌گری با پوشش مشروع دینی. علاوه بر این، گاهی به دلیل ضعف ارائه مباحث عرفانی و معنوی، خصوصا در نوع موعود باوری، جریان‌هایی مانند عرفان‌های نو با ادبیات عامه پسند و جذاب وارد می‌شوند تا به اصطلاح نسخه «معنویت بهروزی» ارائه کنند (اشو، ۱۳۸۰). همچنین در بعد تحریفی، نمونه‌های گسترده تحریف در میان جریان‌های انحرافی وجود دارند؛ مانند انحراف در آیات مربوط به قیامت در بهائیت که باعث کاهش کارکرد اعتقاد به معاد و آثار مهم اخلاقی و اجتماعی آن می‌شود و نیز مانند ترکیب بحث



معاد و متحد دانستن آن با قیام موعود که برای مشروعیت بخشی به ادعای ظهور موعود در بهائیت انجام می‌شود (مومن، بی‌تا: ص ۱-۳).

برای شناخت مکانیزم نفوذ در این مرحله، شناخت دقیق وجوه قوت در فرهنگ مهدوی لازم است؛ زیرا این عوامل قوت، باعث اتحاد، انسجام، رشد و تعالی مردم می‌شوند. این شناخت با بررسی دقیق متون دینی و دقت در آموزه‌ها، تاریخ و پیشینه حاصل می‌شود؛ مانند حساسیت و اهمیت مرجعیت دینی و پایگاه عالمان شیعه در تقویت فرهنگ اسلامی و مهدوی و مقابله این پایگاه در برابر استعمارگران و مستکبران. بنابراین، مکانیزم نفوذ در مراجع را می‌توان بدین روش تشریح کرد:

اول: ایجاد تحریف تدریجی در متون دینی با تفسیر و تاویل‌های جدید و یا ارائه آموزه‌های رقیب، مانند بابت و نیابت خاص یا معلم غیبی و شبه معصوم؛
دوم: پیش‌برد هم‌زمان دو فعالیت مهم؛ یکی ترور شخصیتی مراجع دینی یا تخریب و تضعیف متون رسمی به عنوان خرافات و به‌روز نبودن و دیگری جایگزینی سران فرقه‌ها و استادان و اقطاب به جای مراجع معتبر دینی و کاهش پایگاه اجتماعی آنان؛
سوم: ایجاد درگیری و تضاد و اختلاف از این مسیر و پیگیری اهداف اقتصادی و سیاسی فرقه‌ای.

مسئله نفوذ و تغییر در مراجع، امری با سابقه طولانی است. از این‌رو می‌توان آن را در متون دینی دنبال کرد. به عنوان نمونه، سیر تاثیر انحرافات و خرافات در ایجاد بدعت‌ها و جریان‌های انحرافی را می‌توان از منظر قرآن بررسی کرد:





۲-۲. نفوذ در مفاهیم دینی

مفاهیم اصلی در نهضت‌های دینی بسیار تعیین کننده‌اند و نوع خط مشی و روش‌های اجرایی را مشخص می‌کنند. در موضوع مهدویت نیز مفاهیم اصلی از این دست هستند. «عدالت» یکی از مهم‌ترین این مفاهیم است. تغییر در مفهوم عدالت و عدالت طلبی می‌تواند بسیاری از برنامه‌ها و روش‌ها را متحول کند. ایجاد عدالت، مستلزم سازکار قدرت و حکومت است. از این رو، اجرای عدالت به مبانی مشروعیت نیاز دارد تا مورد پذیرش متدینان قرار بگیرد. یکی از موارد مشترک بین بیش تر فرقه‌ها، ترویج کثرت گرایی (پلورالیزم) برای القای مشروعیت و حقانیت خود است و مدعی می‌شوند که هیچ دین و آیینی حقانیت تام و غلبه ندارد و هر کدام به گونه‌ای حق است. بنابراین، هیچ دینی نباید به دنبال جهانی شدن و غلبه کلی باشد و به عبارت دیگر، هیچ دینی «حق کُل» نیست. معمولا عرفان‌های نوظهور مروج این نظریات هستند؛ از جمله «سای بابا» در این مورد تصریح دارد که همه مذاهب تنها به یک خدا تعلق دارند و به سوی یکی مقصد رهنمونان می‌کنند و ادیان در اصل با هم هیچ تفاوتی ندارند (سای بابا، ۱۳۸۳: ص ۱۶۷). این،



در حالی است که بر اساس آموزه‌های قرآنی، غلبه جهانی اسلام مبتنی بر مهدویت، آموزه‌ای قطعی است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق، فرستاد تا آن را بر هرچه دین است، پیروز گرداند؛ هرچند مشرکان خوش نداشته باشند (توبه: ۳۳). همچنین روایات بر تحقق چنین حکومت جهانی دلالت دارند (طاهری، ۱۳۸۲: ص ۲۰۰).

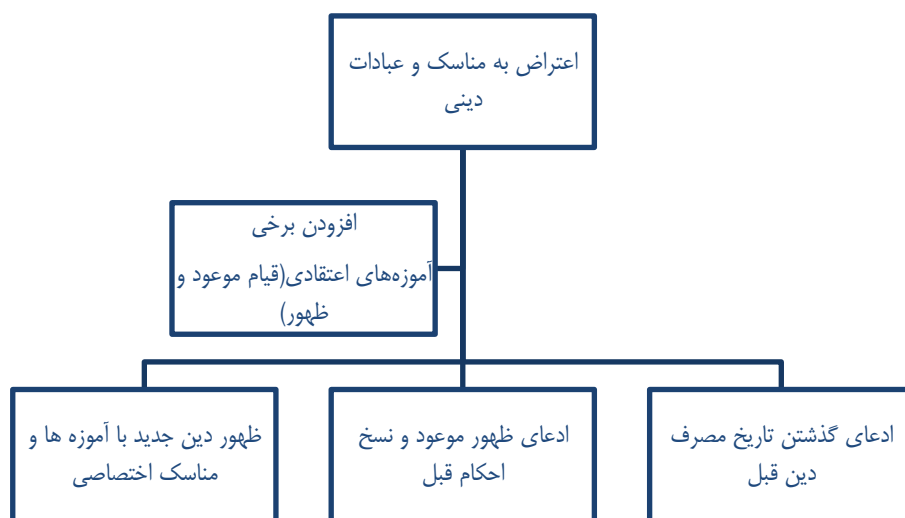
۳. مکانیزم نفوذ در ساختارهای دینی

از دیگر گونه‌های نفوذ این است که با توجه به اختلافات و شبهاتی که در مورد عقاید و مناسک دین و مذهب وجود دارد؛ اشخاص و گروه‌هایی ورود پیدا می‌کنند و در صدد تغییراتی در جهت منافع خود برمی‌آیند. این تحولات و نفوذ تدریجی ممکن است در قالب اعتراضات بر سر مناسک و شیوه‌های عملی آموزه‌های دینی باشد؛ زیرا ظهور و بروز عینی اعتقادات، در مناسک دینی است و تغییرات و بدعت‌ها در آن، زمینه تحول جدی و عمیق در عقاید و مهمات دینی را فراهم می‌کنند. «عبادت» از جمله مسائلی است که روان‌شناسان تحقیقات بسیاری درباره آن انجام داده‌اند (ماهان و دیگران، ۱۳۹۶)؛ به شکلی که اگر مؤمنی به مسائل مناسکی دین خود پایبند نباشد؛ خود به خود از دیگر مومنان، جدا گشته و مورد بی‌اعتنایی آن‌ها واقع می‌شود و خود را در حالت انحطاط و سقوط مشاهده می‌کند. در واقع، عبادت عامل مهم حفظ تعادل روانی است (خواجوی و همکاران، ۱۳۸۲).

از همین رو بعضی از سران و رهبران سازمان دینی، به دنبال ایجاد فرقه، به فکر اصلاحاتی درون سازمانی در بُعد مناسک افتاده، فرقه‌ای را بنابر دیدگاه‌های خود ایجاد می‌کنند. در مسیحیت، محقق موسوم به ایرنیوس، گروه‌هایی از «غنوسیان» را شرح می‌دهد که نوع خاصی تعمید و تدهین و آداب مذهبی و بخصوص نوعی عشای ربانی به نام «اپولیت روسیس» به جا می‌آورند (یواخیم، ۱۳۸۰: ص ۱۸۳). نمونه‌ای از این موضوع در فرقه‌های انحرافی، بهائیت است که سران و متفکران این فرقه، از ابتدا به بهانه ادعای کهنه شدن احکام اسلام و لزوم به‌روز رسانی آن در مسیر حرکت جهانی؛ به تدریج نسخ احکام اسلام و در ادامه، ایجاد دین جدید را مطرح کردند و اساساً دین اسلام را کنار گذاشتند و این تغییر عبادی را در پوشش آمدن موعود و



عصر جدید دینی تعریف کردند تا توجیه آیینی و شبه دینی برای آن درست کرده باشند (افندی، بی تا: ج ۴، ص ۸۹-۹۰). مثلاً در حج فرقه بهائی، تا زمانی که میرزا حسینعلی (بهاء الله) در بغداد و ترکیه بود، پیروان وی، خانه‌اش در بغداد را به عنوان کعبه و یکی از مناسک دینی، زیارت می‌کردند. وی در کتاب خود با عنوان «اقدس» می‌گوید: «قد حکم الله لمن استطاع منکم حج البیت دون النساء... این مسافرت بر مردانی که استطاعت دارند، واجب است؛ غیر از زنان»؛ یعنی زنان که نیمی از جامعه هستند، از آن معاف شده‌اند (نوری، ۱۹۹۲: ص ۲۸). ماهیت حج این مسلک در مقایسه با ادیان توحیدی تفاوت فاحشی دارد و به جای محوریت خدای متعال، در این فرقه‌ها اشخاص و سران فرقه موضوعیت دارند.



۱-۳. تحلیل راهبرد خانوادگی و اجتماعی نفوذ جریان‌های انحرافی

در بحث حاضر، مقصود از «راهبرد نفوذ»؛ آن است که طرح‌های انحرافی فرقه‌ها از سطوح فردی عبور می‌کند و گستره خانوادگی پیدا می‌کند. در این جاست که نوع دیگری از تاثیر گذاری توسط فرقه‌ها اتفاق می‌افتد که ماهیت اجتماعی دارد و روابط اجتماعی را متحول می‌کند و در پی آن، تحولات اجتماعی وسیع‌تر واقع می‌شوند (خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۹۲). تغییرات تدریجی در باورها و انگیزه دینی گروه‌های اجتماعی باعث می‌شوند سبک زندگی تغییر کند و جوامع برای پذیرش سبک جایگزین و انحرافی آماده شوند. این فرایند را می‌توان براساس نمودار ذیل



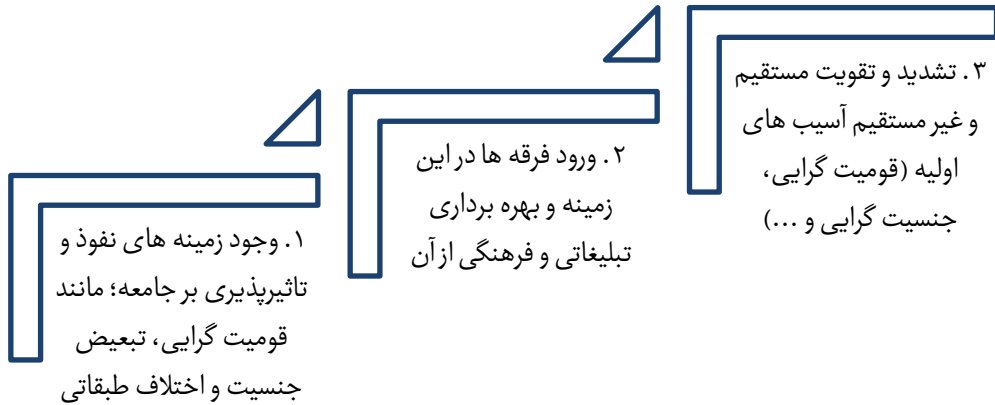
(داداشی، آذر ۱۳۹۱) نشان داد:



مکانیزم تغییرات رفتار تدریجی در فرقه، بر مسائل روان‌شناسانه مبتنی است. آن‌ها از روش‌های روان‌شناختی گوناگونی برای نفوذ در شخصیت افراد و بهره‌برداری از آن‌ها استفاده می‌کنند. یکی از این روش‌ها که در روان‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به روش «جای پا باز کردن» (کریمی، ۱۳۹۰: ص ۱۴۰) موسوم است. آن‌ها از درخواست‌های کوچک شروع می‌کنند تا به خواسته‌های بزرگ‌تر برسند. از کارهای به ظاهر پیش پا افتاده شروع می‌کنند، تا آستانه تحریک اخلاقی فرد را بالا ببرند. اگر جذب شدگان بتوانند برای جلب رضایت رهبر فرقه، به رفتاری مانند جاسوسی دست بزنند؛ در ادامه می‌توانند برای حفظ رضایت رهبر فرقه، هر کار مخاطره‌آمیز و ضد امنیتی دیگر را نیز مرتکب شوند. گروه نقد فرقه‌های انحرافی مرکز مهدویت، با مشاهدات و مطالعات میدانی و مواجهه با گرایش یافتگان جریان‌های مختلف انحرافی در دو دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی، موارد مختلف آسیب‌ها و تحولات اخلاقی و خانوادگی را در این اشخاص بررسی و ملاحظه کرده که این آسیب‌ها و تحولات اخلاقی، که نوعاً به اختلال روانی، فروپاشی خانواده و تقابل با انقلاب و نظام منجر شده است (ر.ک: آرشیو تخصصی نقد فرق انحرافی مرکز

مهدویت، ۱۳۸۵-۱۳۹۹).

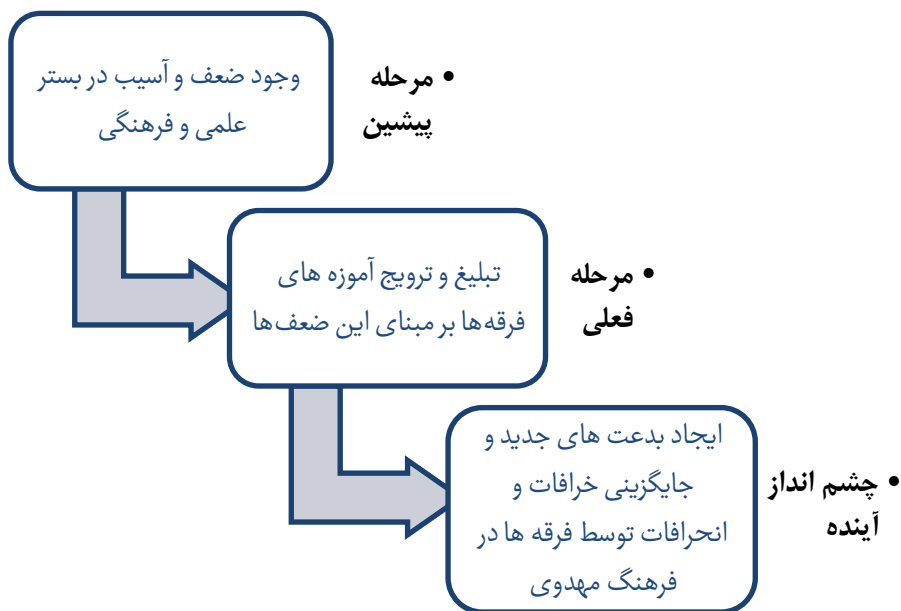
در مورد آسیب‌های تدریجی ایجاد شونده، بر اساس این نمودار، سیر تهدیدها و آسیب‌های کلی برخی از فرقه‌ها را می‌توان بیان کرد:



بر اساس این نمودار، پیش‌بینی می‌شود که خود فرقه‌ها عوامل تغییرهای قومیتی و جنسیتی را تشدید کنند؛ مثلاً می‌توان فرقه بهائیت را بر اساس این نمودار چنین تحلیل کرد: بهائیت به بهانه ایجاد عدل و ظهور منجی و نجات بخش و رفع تبعیض‌ها بروز کرده و نیروگیری می‌کند و به تدریج در آموزه‌های خود مباحثی مطرح می‌کند که بخشی از قشرها و گروه‌ها را بر دیگران ترجیح می‌دهد (وب سایت رسمی جامعه بهائی، ۱۳۹۸). این روند، سمت‌وسویی خواهد داشت که درگیری و اختلافات قشرها و طبقات هم‌افزایی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد.

فرقه وهابیت نیز در این مسیر تلاش می‌کند که تعصب قومیتی و نژادی را برجسته سازد (پایگاه تحقیقاتی نوار اسلام، ۱۳۹۶) و این تعصبات و جهت‌گیری‌ها را به آموزه‌های شیعی نسبت می‌دهد تا دیگر مسلمانان در برابر آن احساس تنفر کنند؛ مثل این که ادعا می‌کند مهدی شیعه تنها به قتل و کشتار اعراب می‌پردازد و عرب‌ها را مورد هجمه قرار خواهد داد (الخمیس، ۱۴۲۹: ص ۱۴۱) و با این ترفند بخش قابل توجهی از مسلمانان که عرب هستند، ممکن است علیه غیر عرب‌ها تحریک شوند و تغییرات و انحرافات از دریچه قومیت‌گرایی به آموزه‌های تشیع سمت و سو یابند و یا مثلاً مهدویت شیعی را نوعی آموزه عجمی و ایرانی قلمداد کنند.





۳-۱-۱. چالش های متأثر از مکانیزم نفوذ

پس از بیان سه گونه مهم نفوذ و تحلیل مکانیزم آن، می توان به طور دقیق تر و با بررسی مصادیق معین، برخی از چالش های ایجاد شده در این مکانیزم را بررسی کرد:

۳-۱-۲. تبدیل عدالت طلبی و اصلاح اجتماعی به خشونت توسط فرقه ها

مسلمانان ایجاد «عدالت جامع و همه جانبه» از اهداف مهم آموزه های مهدویت است و بدین منظور، نفی انحرافات و آسیب های جامعه با شیوه هایی مانند نفی از منکر باید در دستور کار قرار گیرد. رویکرد تبلیغاتی فرقه ها به موضوع رفتارهای دینی، از جمله «عدالت طلبی» این گونه است که تنها در صورت تبعیت از آن فرقه می توان رفتار صحیح انجام داد؛ ضمن این که معیار ثابت و عقلانی مشخصی در این موضوع ندارند و از این رو، حرکت های عدالت طلبانه و دینی را که خارج از چارچوب خودشان انجام شود، نفی و حتی با آن وارد مقابله خشن می کنند؛ مثلاً همراهی با نظام اسلامی و ولایت فقیه، به دلیل نامشروع بودن، (به زعم آنان) جایز نیست و این نظام هم باید نابود شود. در موضوع امر به معروف و نفی از منکر نیز چنین رویکردی دارند.

به عنوان نمونه در جریان منصور هاشمی خراسانی (در بحث امر به معروف و نفی از منکر)

بیان می‌کند که جریان منصور هاشمی شما را به امام زمان می‌رساند و این اصل معروف است؛ ولی اقدامات دیگر، مثل احکام، حجاب و مسائل اقتصادی مشمول این امر به معروف نمی‌شوند؛ زیرا این روش، مصداق اعانت حضرت مهدی خواهد بود. در واقع وی خود را تنها فردی معرفی می‌کند که دعوت کننده به مهدی است و اگر مردم دعوت وی را نپذیرند، مانع ظهور حضرت محسوب می‌شوند و کار منکر مرتکب شده‌اند (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۴: ص ۲۷۵).

۳-۱-۳. تحولات تدریجی ایجاد شده توسط فرقه‌های نو ظهور در سبک زندگی دینی

بر اساس آموزه‌های مهدویت، همگرایی در خانواده و تربیت نسل منتظر و ایجاد فضای عرفانی و معنوی مبتنی بر انس با امام حی، محور قرار می‌گیرد. در این زمینه نگاه توحیدی و خدا باورانه دارای نقش اصلی است؛ اما در فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی، این مسئله به تدریج تحریف می‌شود. به طور کلی شاخصه‌های عرفان‌های نو که ایجاد کننده مفاسد مختلف هستند؛ عبارتند از: انسان محوری در برابر خدا محوری؛ تناسخ‌گرایی در برابر معاد باوری؛ لاابالی‌گری در برابر شریعت‌گرایی؛ دنیا پنداری در برابر عاقبت اندیشی؛ عشق جنسی در برابر عشق معنوی؛ آسایش مادی در برابر آرامش معنوی؛ تفکرگریزی در برابر تفکرگرایی؛ خرافه پنداری در برابر واقعیت‌گرایی؛ تکثر پذیری در برابر حقیقت طلبی و تعبد کور کورانه در برابر حقیقت طلبی (کیانی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۰-۱۵۷). این مسائل با آموزه‌های مهدویت در تضاد هستند و این رفتارها به ایجاد انحراف و جدایی در کانون خانواده و شکاف نسلی بیش‌تر منجر می‌شوند (شمس حائری، ۱۳۷۳: ص ۴۹ و عبدالرحمانی و دیگران، ۱۳۹۲: شماره ۳، ص ۱۵۷-۱۵۸).

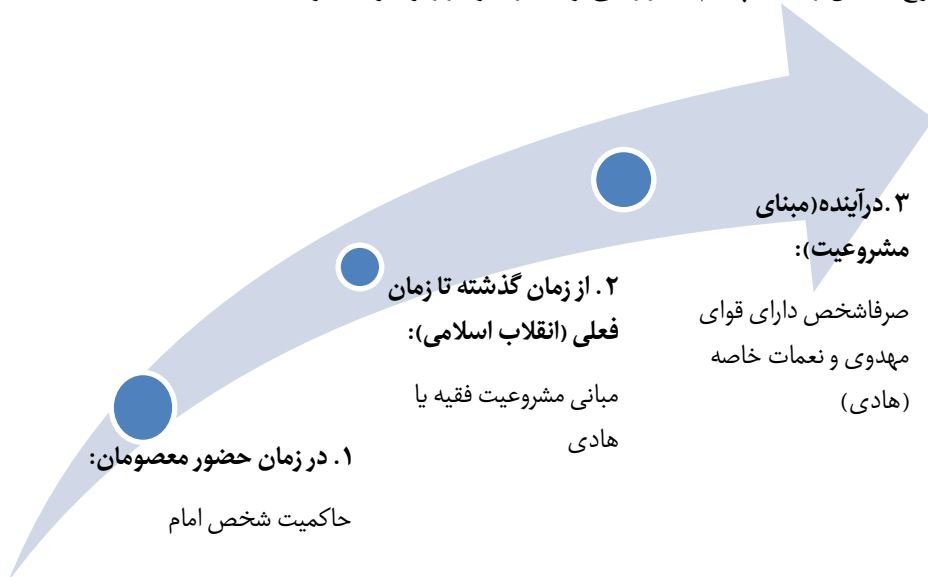
۳-۲. چالش در مبنای مشروعیت نظام اسلامی

از مبانی مهم اعتقادی در مشروعیت نظام اسلامی، استمرار امامت و ولایت است که در دوران غیبت به «ولایت فقیه» تعبیر می‌شود و تمام قوانین و موضوعات در نظام اسلامی تحت حاکمیت اصل ولایت فقیه قرار دارند و این اصل، مبنای اقتدار در نظام اسلامی و حتی امت اسلامی محسوب می‌شود. برخی از مدعیان، به این موضوع ورود کرده و به تحریف آن و مقابله با آن پرداخته‌اند؛ از جمله یعقوبی در سلسله بحث‌های مهدوی خود این مبنا را با خدشه مواجه



می‌کند و این که ولایت فقیه از جانب امام زمان به صورت موقتی پذیرفته شده و در آینده دیگر مشروعی ندارد و در دوران غیبت باید به «والیان ملکوتی» و یا «هادی» مراجعه کرد (یعقوبی، ۱۳۸۰: ص ۱۴۹ و همان، بی‌تا: جلسه ۸، ص ۲۶).

این نوع تحلیل و بیان چشم انداز را می‌توان در نمودار زیر تعریف کرد:



۴. چالش در امت واحد

از دیگر چالش‌های ایجاد شده توسط جریان‌های انحرافی، ایجاد تغییرات تدریجی در مناسبات و پیوندهای اجتماعی است که معمولاً این حرکت با منافع کانون‌های قدرت و استعمار همسو قرار می‌گیرد. در واقع یکی از آفت‌های جنبش‌های مدعی مهدویت، ایجاد اختلاف در میان مسلمانان است. این حرکت‌ها باعث می‌شوند توان و نیروی واحد امت اسلام به جای این که به مسائل مهم و ایجاد تمدن عظیم اسلام صرف شود، بر اثر درگیری‌های فرقه‌ای تحلیل رود. حرکت این مدعیان فرقه‌ساز باعث شد گروه‌های مختلف هرکدام گوشه‌ای و جنبه‌ای از اسلام را بگیرد و از ابعاد دیگر آن غفلت ورزد.

یکی از جریان‌های معاصر، «قادیانیه» است که با ادعاهای مهدویت و نوعی ادعای نبوت در پوشش مقابله با استعمار ظاهر شد و در نهایت خود در خدمت استعمار انگلیس قرار گرفت. در

واقع، اگرچه قادیانیه در دل اسلام تولد یافت؛ به تدریج و با اظهار ادعاهای جدید، از سوی میرزا غلام احمد، به عنوان رهبر و مؤسس فرقه و دیگر رهبران؛ روند زاویه گرفتن فرقه قادیانیه از اصل خود، یعنی دین اسلام، بخصوص از جنبه اعتقادی شدت یافت و مسئله مهم‌تر، آن که بعدها انشقاق این جریان به دو گروه احمدیه و قادیانیه و بروز اختلافات شدید، هدف اولیه آن‌ها، یعنی مبارزه با استعمار به محاق رفت و در نهایت، شکاف گسترده و عمیقی میان این فرقه و اسلام پدیدار شد (علیخانی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۵-۲۰۶ و کاظمی، ۱۳۹۳).

نتیجه گیری

۱. فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی، سیر ممتدی به سمت آینده در پیش گرفته‌اند و گونه‌هایی از آنان، دقیق و حساب شده در برابر اسلام و مهدویت برنامه ریزی کرده، با مراحل تدریجی و با استفاده از بسترهای فرهنگی و اجتماعی مختلف، در نفوذ در منابع و نیروی انسانی ملل اسلامی و آموزه‌های آن‌ها، از جمله مهدویت سعی و تلاش می‌ورزند.
۲. فرقه‌ها، خصوصا با سوء استفاده از ظرفیت‌های مهدوی، به تغییر تدریجی و پایدار شخصیت افراد پرداخته و آنان را همانند ویروس راه یافته به یاخته در جهت اهداف خود به کار می‌گیرند. از این رو، مخاطرات و تهدیدهای سخت توسط جذب شدگان امری حتمی است.
۳. تحریف و جعل و واژگون نمایی آموزه‌ها و نیز بهره‌گیری از شکاف‌های قومیتی و نیز ایجاد تغییرات فرقه‌ای در فرهنگ مهدوی، از مولفه‌های اصلی فرقه‌های انحرافی است.
۴. برخورد و مقابله با فرقه‌ها و مصونیت‌سازی در برابر چالش‌های آینده آن‌ها، نیازمند مطالعات دقیق، برنامه‌ریزی و استفاده از تمام ظرفیت‌ها است.
۵. بر اساس مطالعات و مشاهدات عینی در بخش نقد فرقه‌ها در مرکز مهدویت؛ در دو دهه اخیر، سیر انحرافات فرقه‌ها و نفوذ آنان در افراد، از تغییرات تدریجی در مناسک و سبک زندگی شروع می‌شود و به صورت قطعی، آنان را به تقابل با خانواده و جامعه اسلامی و نظام می‌کشاند.
۶. پیشنهاد مشخص برای تحقیقات بعدی آن است که نحوه نفوذ و فعالیت فرقه‌ها در بستر آموزه غیبت، مورد توجه قرار گیرد.



منابع

قرآن کریم

۱. ارشادی نیا، محمد رضا (۱۳۷۶). *از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک*، بوستان کتاب، قم.
۲. اشراق خاوری، عبدالحمید (بی تا ۱۳۴). *گنجینه حدود و احکام*، بی جا، موسسه ملی مطبوعات امری.
۳. اشو، باگوان و راجنیش، شری (۱۳۸۰). *خاطرات اشو ۱۹۳-۱۹۵۱؛ اینک برکه ای کهن!*، مترجم: سیروس سعدوندیان، تهران، زرین.
۴. افندی، عباس (عبدالبهاء)، (بی تا). *مکاتیب عبدالبهاء*، بی جا، موسسه ملی مطبوعات امری.
۵. آرتوراس، ربر (۱۳۹۰). *فرهنگ روان شناسی توصیفی*، مترجم: یوسف کریمی وهمکاران، تهران، رشد.
۶. بصری، احمد اسماعیل (بی تا الف). *پاسخ های روشنگرانه*، بی جا، انتشارات انصار امام مهدی.
۷. _____ (بی تا ب). *الجواب المنیر*، بی جا، انتشارات انصار احمد اسماعیل.
۸. بیرو، آلن (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، مترجم: باقر ساروخانی، تهران، انتشارات موسسه کیهان.
۹. تبریزی، ایرج (۱۳۸۷). *خاطرات حجت الاسلام عمادی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. جواهری، میکائیل (۱۳۹۳). *بهائیت یاد جنبش حیات ملت ایران*، تهران، موسسه مطالعات راهبردی.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). *الایقاظ من المجمع بالبرهان علی الرجعه*، قم، نوید.
۱۲. خسرو پناه، عبدالحسین و مزینانی، احمد (تابستان ۱۳۹۴). «*پدیدارشناسی تکفیرگرایی و ارزیابی امنیتی آن*»، پژوهش های حفاظتی و امنیتی، شماره ۱۴.
۱۳. الخمیس، عثمان بن محمد (۱۴۲۹ق). *عجیب ترین دروغ تاریخ*، مترجم: اسحاق دبیری، ریاض، مکتبه الملك فهد دار الطیبه.
۱۴. خواجهوی و همکاران (توڈر کیت) (۱۳۸۲). *ارتقای سلامت روان پارادایمها و برنامهها*، تهران، سازمان بهزیستی.
۱۵. داداشی آذر، رسول (۱۳۹۱). *آشنایی با فرق و ادیان*، تهران، سازمان حراست آموزش و پرورش کل کشور.
۱۶. زینو، محمد بن جمیل (بی تا). *چکیده ای از کتاب تصوف در ترازوی قرآن و سنت*، بی جا، بی نا.
۱۷. سای بابا، سوامی ساتیا (۱۳۸۳). *تعلیمات سای بابا*، مترجم: رویا مصباحی محمدی، تهران، تعلیم حق.
۱۸. سبحانی، جعفر (۱۳۸۹). *منشور عقاید امامیه*، قم، توحید.

۱۹. سهراب، عنایت الله (بی تا). *میادی استدلال*، بی جا، موسسه ملی مطبوعات امری.
۲۰. سینگر، مارگارت تالر (۱۳۸۸). *فرقه‌ها در میان ما*، مترجم: ابراهیم خدابنده، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۲۱. شیرازی، علی محمد باب (بی تا). *لوح هیکل الدین خطی*، آرشیو بررسی فرق انحرافی، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۲۲. شمس حائری، هادی (۱۳۷۳). *بن بست انحراف*، تهران، مؤسسه کیهان.
۲۳. طاهری، حبیب‌الله (بهار ۱۳۸۲). «جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه»، فصل نامه انتظار موعود، ش ۷.
۲۴. طاهری، محمد علی (۱۳۸۶). *انسان از منظری دیگر*، تهران، انتشارات ندا.
۲۵. عبدالرحمانی، رضا و دیگران (تابستان ۱۳۹۲). «بررسی نقش عرفان‌های نوپدید بر امنیت اخلاقی»، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، شماره ۳۰ (۲)، ص ۱۴۷-۱۶۰.
۲۶. عطشان، ماهان و دیگران (۱۳۹۶). *عبادت بهداشت روانی*، تهران، هشتمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی.
۲۷. علیا نسب، ضیاء الدین؛ علوی نیک، سلمان (۱۳۹۰). *جریان‌شناسی انجمن حجتیه*، قم، وثوق.
۲۸. علی خانی، اسماعیل (پاییز ۱۳۸۹). «جریان‌شناسی جنبش‌های مهدوی»، مجله معرفت کلامی، شماره ۳، پاییز، ص ۱۷۳-۲۰۵.
۲۹. فرانزوی، استیفن‌ال (۱۳۸۵). *روان‌شناسی اجتماعی*، مترجم: مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان، تهران، رسا.
۳۰. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ ق). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین (دوجلدی)*، قم، رضی.
۳۱. فرگاس، جوزف پی (۱۳۷۳). *روان‌شناسی تعامل اجتماعی (رفتار میان فردی)*، مترجم: خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران، ابجد.
۳۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۳. کاظمی، رضا، فرمانیان، مهدی (پاییز ۱۳۹۳). «تحلیلی بر ادعاهای منجی‌گرایانه غلام احمد قادیانی و نقش آن در پیدایش قادیانیه»، معرفت ادیان، شماره ۲۰، ص ۷-۲۶.
۳۴. کریمی، یوسف (۱۳۸۱). *روان‌شناسی اجتماعی*، تهران، ارسباران.
۳۵. کیانی، محمدحسین (بهار و تابستان ۱۳۸۸). «مؤلفه‌های معنویت نوپدید در ایران»، کتاب نقد، شماره ۵۰ و ۵۱، ص ۱۵۰-۱۵۷.



۳۶. مان، نرمال ل (۱۳۶۸). *اصول روان شناسی*، مترجم: محمود ساعتچی، تهران، امیرکبیر.
۳۷. محمدی، علیرضا (آبان ۱۳۸۸). *بهائیت تاریخچه*، اعتقادات و وضعیت کنونی، ماهنامه معارف، شماره ۷۰، ص ۲۰-۲۴.
۳۸. مرکز تخصصی مهدویت (۱۳۹۷). *قم، آرشیو تخصصی نقد فرقه های انحرافی*.
۳۹. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۱۶ق). *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم، ناصح.
۴۰. مومن، موژان (بی تا). *منجی موعود حضرت بهاء الله*، مترجم: ولی الله اکبری، بی جا، دنیای بهائی.
۴۱. ناصری راد، علی (۱۳۹۱). *افسون حلقه نقد و بررسی عرفان حلقه*، تهران، سایان.
۴۲. نوری، حسینعلی (۱۹۹۲م). *کتاب اقدس*، بی جا، مرکز جهانی بهائی.
۴۳. هاشمی خراسانی، منصور (۱۳۹۴). *بازگشت به اسلام*، کابل، ناشر دفتر حفظ و نشر آثار منصور خراسانی.
۴۴. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). *جامعه شناسی دین*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، تبیان.
۴۵. یواخیم، واخ (۱۳۸۰). *جامعه شناسی دین*، مترجم: جمشید آزادگان، تهران، سمت.